

# تردیدهای یک رژیم بحران‌زی



علی مزروعی خبرنگار گروه نقد روز

از زمان اقدام واکنشی ایران به رژیم صهیونیستی در روز می‌گذرد. سوال مهمی که در این چند روز برای افکار عمومی جهان به‌وجود آمده این است که رژیم صهیونیستی و آمریکا قدرت و عزمی برای پاسخ نظامی به اقدام ایران دارند؟ اینکه این سوال بعد از دو روز هنوز پاسخ داده نشده و مقامات صهیونیستی نیز ادبیات واحدی ولو در حد تهدید و ارباب به کار نگرفته‌اند نشان می‌دهد که در بدنه تصمیم‌گیران رژیم صهیونیستی اگر نگویم ترس لاقفل در مورد اصل پاسخ و چگونگی آن تردید وجود دارد. تردیدی که نگرانی از واکنش مجدد ایران می‌تواند مهم‌ترین علت آن محسوب شود. حتی اگر رژیم صهیونیستی اراده‌ای برای اقدام نظامی و گسترده کردن دامنه درگیری نداشته باشد برای پاسخ به افکار عمومی داخلی خود و احیای هویت امنیتی نیاز به اتخاذ اقداماتی دارد. اقدامات غالباًکم اثری که بعضی از آنها شروع شده و بخشی رانیز با توجه سابقه رژیم صهیونیستی می‌توان تا حدی پیش‌بینی کرد.

### آمریکا پشت اسرائیل را خالی کرد

پیش از اینکه ایران اقدام متقابلی نسبت به حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران نشان دهد موجی از هراس افکنی‌ها در مورد اقدام ایران در رسانه های غربی به راه افتاده و حتی برخی کشورها از جمله هند نیز سفارت خود در تهران را تخلیه کردند. اینگونه رفتارها باعث شده بود تا برخی اینگونه نتیجه‌گیری کنند که طرف غربی با بزرگنمایی در مورد واکنش احتمالی ایران در فضای رسانه‌ای به دنبال این است که توقع‌ها از واکنش ایران را بالا برد تا اگر تهران واکنشی در سطح بسیار بزرگی نشان ندهد بتواند اثر رسانه‌ای این اقدام را بلافاصله خنثی کند تا برای از بین بردن وجهه شکست دیگر نیازی به اقدام مجدد اسرائیل و تداوم دامنه درگیری‌ها نباشد. واکنش غیرمنتظره ایران اما چنین طراخی احتمالی را به طور کامل از بین برد. حجم سنگین حملات موشکی و پهپادی و عبور از سامانه‌های چندلایه پدافندی رژیم صهیونیستی باعث شد اقدام ایران به عنوان یک پیروزی بزرگ در فضای رسانه‌ای جهان بازتاب پیدا کرده و مردم منطقه را نیز در حمایت از ایران تشویق کند. شکست در میدان نظامی رسانه‌ای این توقع را به‌وجود آورد که رژیم صهیونیستی برای احیای هویت از دست‌رفته خود ولو در یک مقیاس کوچک اقدامی نظامی انجام دهد. آن‌طور که برخی رسانه‌ها گفته‌اند نیز گزینه اقدام متقابل در کاینه جنگ رژیم صهیونیستی طرح شده اما با توجه به تماس تلفنی بایدن با نتانیاها و دستور کار خارج شده است. در همین رابطه نیویورک تایمز به نقل از دو مقام اسرائیلی خبر داد که حمله تلافی‌جویانه‌ای که برخی از اعضای کابینه پیشنهاد کرده بودند، پس از گفت‌وگوی تلفنی بنیامین نتانیاها با رئیس‌جمهور بایدن در روز شنبه کنار گذاشته شده است. این خبر را شبکه سی‌ان‌ان نیز منتشر کرد. مطابق ادعای سی‌ان‌ان بایدن به نتانیاها اطلاع داد که آمریکا در هیچ عملیاتی علیه ایران مشارکت نخواهد کرد. این شبکه همچنین مدعی شد «وزیر دفاع آمریکا از همتای اسرائیلی خود خواست درباره هرگونه پاسخ احتمالی از سوی تل آویو به واشنگتن اطلاع دهد.» این خبر یعنی آمریکا پای خود را از هم‌راهی با رژیم صهیونیستی در اقدام رسمی علیه ایران کنار کشیده است. نهایتاً نیز بایدن در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد نشستی را با سران گروه ۷ با هدف هماهنگی در خصوص پاسخ دیپلماتیک یکپارچه به حمله ایران برگزار خواهد کرد. به این ترتیب گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای پایان یافت و آمریکا با اعلام اقدام دیپلماتیک رسماً گزینه نظامی را نفی کرد. نقطه پایان در مورد واکنش اسرائیل به اقدام ایران را نیز بنی‌گانتز گذاشت. این عضو کابینه جنگ نتانیاها اعلام کرد: «در یک زمان مناسب ایران بهای حمله‌اش به اسرائیل را خواهد پرداخت.» در نهایت نیز دستورالعملی به وزرای دولت نتانیاها صادر شده و از آنها خواسته شد تا از اظهار نظر در رسانه‌ها در خصوص حمله ایران خودداری کنند. این دستورالعمل اثبات می‌کند کابینه رژیم صهیونیستی حتی از اتخاذ یک دستورالعمل واحد و تقابلی با ایران نیز تردید داشته و تلاش دارند چراکه ایران اثبات کرده از پاسخ متقابل و چندبرابری ابایی نداشته و اعلام کرده است در صورت هرگونه اقدام جدیدی از جانب رژیم صهیونیستی پاسخ



سخت‌تری خواهد داد؛ پاسخی که شورای عالی امنیت ملی آن را تا ۱۰ برابر شدیدتر از اقدام شنبه شب توصیف می‌کند.

### حیات در بحران

پیش از عملیات ۷ اکتبر نتانیاها در فضای داخلی خود به شدت تحت فشار بود. ساکنان سرزمین‌های اشغالی به دلیل تلاش او برای اصلاحات قضایی به نفع خود روبرو‌ها بود که در خیابان‌های اسرائیل دست به تظاهرات می‌زدند. تداوم بحران داخلی می‌توانست در ادامه به کنار رفتن نتانیاها از قدرت منجر شود. نخست‌وزیر فعلی رژیم صهیونیستی که تداوم حیات سیاسی خود را در گرو ایجاد بحران امنیتی می‌داند اما با حملات چندماه به غزه تلاش دارد با حفظ وضعیت جنگی از شلوغی خیابان‌ها کاسته و حضور خود در راس قدرت را تمدید کند. نتانیاها امیدوار است تا در نهایت با به دست آوردن برگ‌های برنده‌ای از میدان غزه جنگ را پایان دهد تا بدین ترتیب تداوم دوران نخست‌وزیری خود پس از جنگ را نیز تضمین کرده باشد. شعارهایی همچون نابودی حماس نیز به همین دلیل مطرح شد؛ ناکامی در تحقق این وعده‌ها اما باعث شده تا نتانیاها در تصویر افکار عمومی ساکنان خود شکست‌خورده تلقی شود. این تصویر به طور قطع پس از پایان جنگ پایان دوران سیاسی نتانیاها وارقم خواهد زد؛ به همین دلیل نیز او برای جلوگیری از پایان جنگ در وضعیت شکست سعی در گسترده‌تر کردن دامنه بحران و باز کردن پای آمریکا و ایران به تقابل دارد. گسترده شدن تقابل باعث می‌شود تقابل نظامی اسرائیل با حماس تا حد زیادی از موضوعیت افتاده و در نتیجه نتانیاها بتوانند در سایه بحران بزرگ‌تر قدرت خود را ادامه دهند. این مساله اما مورد قبول آمریکایی‌ها نیست. بایدن برای رای آوردن در انتخابات ریاست جمهوری نیاز دارد به جنگ در اوکراین و غزه پایان دهد؛ چراکه رقیب او، دونالد ترامپ رخ دادن چندین جنگ در جهان را بهانه‌ای برای تخریب وجهه بایدن قرار داده و با تکرار آن سعی در کاهش آرای



دموکرات‌ها دارد. همچنین به طور سنتی جمهوری خواهان از سیاست‌های جنگ طلبانه دولت اسرائیل بهتر حمایت می‌کنند. لذا بایدن تمایل دارد تا در نتیجه پایان جنگ نتانیاها نیز از قدرت کنار رفته و فرد همسوتری جایگزین وی شود. در چنین فضایی رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا بتواند ضمن جلب حمایت‌های دولت بایدن نبرد با ایران را آغاز کند. حمله به سفارت ایران نیز اقدامی بود که با هدف قرار دادن آمریکا در یک عمل انجام‌شده طراحی شده بود. در نهایت اما این حمله با اقدام ایران مواجه شد و آمریکا نیز از تشدید تنش پرهیز کرد. اکنون چند گزینه پیش‌روی نتانیاها قرار دارد. **۱- پذیرش شکست و کنارگیری نتانیاها**؛ این سناریو با توجه به تمایل اعضای کابینه به تداوم جنگ بعید به نظر می‌رسد.

**۲- دست زدن به یک اقدام ریسکی**؛ در این سناریو اسرائیل رفتارهای خصمانه در برابر تهران را با هدف بروز واکنش مجدد ایران و تحمیل یک جنگ گسترده به بایدن تکرار می‌کند. با توجه به اینکه بایدن یک‌بار از این بازی طراحی‌شده گریخته در صورت تکرار تداوم اجتناب بایدن از گسترش تنش گزینه محتمل‌تری محسوب می‌شود. بایدن شاید برای حمایت از رژیم تحت فشار باشد اما او برای ورود به جنگ به نفع صهیونیست‌ها تحت فشار هیچ‌کس نیست. لایه‌ی او رسانه‌ها نمی‌توانند جنگ با ایران را تبلیغ کنند؛ زیرا اقبالی به آن وجود ندارد، بلکه مبادرت دموکرات‌ها به این کار می‌تواند آنها را نه در انتخابات ۲۰۲۴ بلکه برای مدت‌ها از قدرت دور کند.

**۳- پرمیز از تقابل گسترده با ایران و تداوم بحران در غزه حداقل تا زمان تغییر دولت در آمریکا**؛ در این سناریو رژیم صهیونیستی نبرد در غزه را به امید روی کار آمدن ترامپ در آمریکا تداوم داده تا در صورت پیدا کردن یک حامی قوی‌تر در کاخ سفید بار دیگر برای روشن کردن آتش جنگ بین تهران و واشنگتن کبریتی را به کار گیرد. برای درپیش گرفتن این سناریو، نتانیاها نمی‌توانند نبرد فعلی در غزه را رها کرده و اقدام واکنشی ایران را بدون پاسخ

بگذارد. لذا تا آن زمان نتانیاها مجموعه‌ای از اقدامات پراکنده نظامی را در غزه ادامه داده و در ایران نیز دست به اقدامات خرابکارانه می‌زند تا ضمن فعال نگه داشتن آتش جنگ، گسترده کردن آن را به تعویق بیندازد. به تعویق انداختن جنگ گسترده باعث می‌شود تا در صورت نیاز امکان مشتعل‌تر کردن آن وجود داشته باشد.

**۴- تداوم جنگ با هدف رسمیت‌نبخشیدن به شکست**؛ تداوم جنگ همچنین باعث می‌شود پذیرش شکست رسمیت نیافته و اسرائیل بتواند در نهایت بدون اینکه پایان جنگ را اعلام کند آن را نصف و نیمه رها کرده و در افکار عمومی کمتر تحقیر شود.

با توجه به جمع موارد به نظر می‌رسد ترکیبی از گزینه سه و چهار برای رژیم صهیونیستی مطلوب‌تر به نظر برسد. یعنی اسرائیل فعلاً جنگ را در مقیاس کوچک تداوم داده و با کم‌رنج شدن اهمیت آن به دنبال خروج غیررسمی خواهد بود. در نهایت نیز اگر مبادله اسرا اتفاق نیفتاد و اسرائیل همچنان شکست‌خورده بزرگ ماجرا بود، چنانچه ترامپ در آمریکا بر سر کار بیاید، امیدها به حمایت‌ها بیشتر شده و گزینه جنگ گسترده بار دیگر در دستورکار قرار می‌گیرد.

درحال حاضر اسرائیل حملات گسترده به غزه را متوقف کرده و ایده حمله به رفح را نیز به تعویق انداخته است. این را می‌توان به دو صورت تفسیر کرد. اولاً رژیم صهیونیستی از تداوم جنگ گسترده با غزه در شرایط فعلی اجتناب ورزیده و ثانیاً گزینه‌های تقابلی خود با ایران را بررسی می‌کند. این دو تفسیر به هیچ وجه نافی یکدیگر محسوب نمی‌شوند، چراکه اسرائیل در صورت ورود به هر گونه تقابل محدود و نامحدود با ایران نیاز دارد تا تمام تمرکز خود را به آن معطوف کند و لذا گریزی جز کاهش حجم آتش در سایر جبهه‌ها باقی نمی‌ماند.

### مسیرهای تقابلی جایگزین اما کم‌اثر

رژیم صهیونیستی برای تقابل با ایران مسیرهای غیرنظامی را در دسترس‌تر می‌بیند. آنها اولاً برای اینکه تصویر شکست‌خورده خود را از زا بین ببرند با تغییر روایت سعی در وارونه جلوه دادن واقعیت دارند تا در نتیجه افکار عمومی داخل برای احیای وجهه پیروز از آنها توقع اقدام گسترده علیه ایران نداشته باشد. جلسه فرماندهان اسرائیلی با اعضای سازمان مجاهدین خلق نیز با هدف ارائه روایتی وارونه در داخل ایران طراحی شد تا از شدت اثر اجتماعی پیروزی تهران بکاهد. هم‌زمان آنها برای اینکه مقبولیت منطقه‌ای ایران را پس از عملیات یکشنبه شب کاهش دهند، سعی در ارائه تفسیری مذهبی از نزاع به‌وجود آمده دارند. اظهارات مضحک گیلعاد اردان در سازمان ملل که مدعی شده بود ایران قصد زدن مسجدالاقصی را داشته است نیز با همین هدف مطرح می‌شود. علاوه بر این رژیم صهیونیستی اقدامات آتی خود در باریکه غزه را واکنش به پاسخ ایران تحلیل می‌کند تا به زعم خود ساکنان غزه و همچنین حامیان جهانی مردم فلسطین را در تقابل با ایران قرار دهد، راهبردی که پیش از این اسرائیل در مورد حماس در پیش گرفته بود. این راهبرد البته همانطورکه در مورد حماس به شکست انجامید و مقبولیت این گروه مقاومت را در بین فلسطینیان افزایش داد، در مورد ایران که حامی تاریخی آزادی فلسطین و مسجدالاقصی محسوب می‌شود نیز بی‌نتیجه خواهد ماند. مسیر تحریم علیه تهران در دسترس‌ترین راهی است که اسرائیل می‌تواند برای تقابل در پیش گیرد. این روش نیز از کانال سازمان ملل به شکست می‌انجامد؛ چراکه اسرائیل با هدف قرار دادن سفارت ایران در دمشق قدرت اقتاع جهانی برای اعمال محکومیت علیه ایران را ندارد و به همین دلیل نیز آمریکا در راهبرد دیپلماتیک ضد ایرانی خود بر همکاری با کشورهای عضو G7 تاکید کرد که این تحریم‌ها نیز به دلیل قرار نگرفتن در ذیل قطعنامه‌های سازمان ملل مشروعیت بین‌المللی نخواهد داشت. ضمن آنکه استفاده بیش از اندازه کاخ سفید از این ابزار و اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران باعث شده تا اساساً وضع تحریم‌های جدید اثر بازازنده زیادی در پی نداشته باشد. در مجموع باید گفت نتانیاها همان قدر که در میدان نظامی دست‌بسته و بدون گزینه محسوب می‌شود در میدان‌های دیگر نیز ابزار موثری برای تقابل ندارد. مسیر پیش‌رو یا به کناره‌گیری نتانیاها ختم می‌شود و یا منفعت سیاسی نتانیاها را به‌طور موقت تمدید می‌کند البته به قیمتی گزاف برای شهرک‌نشینان.

## آیا منتقد به یک مساله موظف به ارائه راه‌حل برای آن مساله است؟

که راه‌حل آن صرفا در قالب یک رویکرد ارائه آب خارج از حوضه مرتفع شود.

### ۲- ساختارهای مزاحم:

در زمان‌مندی حل یک مساله به‌تدریج نهادها و ساختارهای شکل گرفته‌که در مسیر رسوب کرده و خود مبدل به بخشی از مشکل می‌شوند که می‌توانیم آنها را ساختارهای مزاحم یا مداخله‌گر Interfering Structures بنامیم. بعضا راه‌حل‌های نوین مستلزم حذف یا تعدیل نهادی و ساختاری است. بدیهی است در شرایطی که مساله با پیش‌فرض ماندگاری ساختارهای بعضا مزاحم مطرح شود، امکان راه‌حل سلب یا به دشواری آن افزوده می‌شود، به‌طور مثال امکان حل مساله آلودگی هوا با الزام به بقای تولید داخلی ناکارآمد و ویژه‌خوار و ناروآآمد امری بعید به نظر می‌رسد.

### ۳- راه‌حل‌های الگوریتمیک به‌جای راه‌حل‌های آنالیتیک:

بسیاری از مسائل در ساحت محیط طبیعی خصوصاً هنگامی که با یک امر اجتماعی درهم تنیدگی دارد از جنس سیستم‌های پیچیدهComplex system بوده، لذا روش‌های بررسی و حل ویژه‌های خود را مطالبه می‌کند. این درحالی است که خصوصا در مواجهه مهندسی رویکرد به موضوع آنالیتیک Analytical solution و بر مبنای ساده انگاشتن سیستم رخ داده است. برای اینکه بهتر بتوانیم منظور خود را از این جابه‌جایی مشکل‌ساز بیان کنیم مجبور به قدری توضیح هستیم.

در مکانیک کلاسیک قرون هجدهم و نوزدهم، پیش‌بینی به معنای پیش‌بینی دقیق مسیره‌ها بود. معادلات حرکت اظهارات دقیقی در مورد تکامل آینده سیستم‌های دینامیکی ساده ارائه می‌دهد.

در سیستم‌های پیچیده، وضعیت کاملاً متفاوت بوده، از آنجا که عدم قطعیت‌های جدی هم بر اجزا و هم برهم‌کنش بین آنها وجود دارد. در این موارد تعاملات بین اجزا می‌توانند خاص، وابسته به زمان، غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی شوند. در بسیاری موارد مشکلات اجتماعی در همسنگی با طبیعت و الزام به تغییر ساختارها و روندهای طبیعی ما را وارد یک وضعیت

## فرهنگ‌نخبگان

# روز



سه‌شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۳



شماره ۴۱۴



www.fdn.ir



FARHIKHTEGADAILY

کاملاً پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی و نیازمند توانان تحلیل‌های ریاضی و غیرریاضی دقیق می‌کند. با وجود این در عالم واقع شاهدیم، هنوز مواجهه به صورت تحلیلی و غیرالگوریتمیک است. جالب اینجاست که حتی وقتی به یک منتقد وضعیت برهم‌خورده طبیعی – اجتماعی گفته می‌شود، راه‌حل شما چیست؟ انتظار یک راه‌حل آنالیتیک دیگر برای مساله‌ای است که دیگر از اساس راه‌حل آنالیتیک نداشته و مبدل به موضعی بدخیم Wicked problem شده است. پارادایم تحلیلی بر مدل‌سازی نظری و مشتق‌های ریاضی تاکید دارد، در مقابل، شیوه الگوریتمی Algorithmic solution بر طراحی و پیادسازی الگوریتم‌هایی برای بررسی مسائل با دستکاری داده‌ها از طریق محاسبات تمرکز دارد. الگوریتم‌ها روش‌های گام‌به‌گامی هستند که برای پردازش اطلاعات و تولید خروجی استفاده می‌شوند. آنها به‌ویژه هنگام برخورد با سیستم‌های پیچیده که در آن تکنیک‌های تحلیلی سنتی ممکن است به دلیل پیچیدگی یا غیرخطی بودن سیستم اعمال نشود، مؤثرند. مسلمان‌در‌برخورد با مسائل در عرصه دیسپلین پیچیدگی ترکیبی از هر دو مسیر باید به کارسته شود اما در خیلی مواقع روش کاملاً بر مبنای مدل‌سازی تحلیلی و ساده‌نگاری سیستم است. نتیجه، ورود مهندسی به مسائل طبیعی و جامعه‌شناسانه در مواجهه اولیه خود، به‌جای اینکه رویکرد الگوریتمیک و کاملاً مرحله به مرحله و با واریسی دقیق هر مداخله را داشته باشد با روش‌های یکپارچه آنالیتیک جایگزین‌که سعی در حل یکپارچه و عاجلانه مساله داشته است. از همین ناحیه است که بعضاً مساله حتی از فاز قبلی عبور کرده و مبدل به امری بدخیم شده است و اصولاً دیگر پرسش راه‌حل شما چیست؟ برای چنین دست‌مسائلی بی‌معنی است. متأسفانه ما در اوج عدم تشخیص درست، مسائل پیچیده را ساده‌انگاشته و با بار کردن راه‌حل‌های تحلیلی و فنی آن را پیچیده‌تر ساخته و وارد فازهای بحرانی‌ت کرده‌ایم.

خلاصه کسانی که در دایره تصمیمات کلان و پروژه‌ها بزرگ و اثرگذار هستند، توجه داشته باشند که در برخی موارد جامعه قادر به حس و ادراک عوارض سوءاقدامات آنهاست، نقد آنها را پذیرا باشند و از مغالطه طرح پرسش متقابل فاصله بگیرند.

<div>مسعود امیرزاده</div> <div>خبرنگار</div>
<span></span>
پادشاست

کسانی که در ساحت اجتماعی اقدام به کنشگری می‌کنند با چنین پرسشی بسیار مواجه می‌شوند که راه‌حل خود شما برای مساله مورد انتقاد تا چیست؟

این مواجهه خصوصاً در عرصه مسائل مربوط به حفظ محیط‌زیست و رعایت حقوق طبیعت به‌مراتب بیشتر است. احداث یک سد که عامل تخریب اکوسیستم رودخانه‌ای است یا احداث جاده و معدن که عوارض و زخم آنها همواره بر پیکره طبیعت ماندگار خواهد شد، از طرف طراحان و مجریان به‌منزله امری اجتناب‌ناپذیر معرفی می‌شود. هنگامی که منتقدان به این عوارض اشاره می‌کنند، از آنها راه‌حل‌های جایگزین برای رفع ضرورت‌هایی که پیششان این پروژه‌ها بوده‌اند، درخواست می‌شود. چنین واکنش‌هایی از جانب‌داران پروژه‌ها در وادی امر منطقی به نظر رسیده و بعضاً با عدم پاسخ از طرف منتقدان موجبات خاموشی و سرکوب فضای نقد می‌شود. این نوشته کوتاه بر آن است که بگویید چرا این مواجهه از اساس و در مرحله طرح پرسش از جانب مورد نقد گرفتگان، نادرست بوده و بعضاً راه‌گریز در مقابل پاسخگویی مسئولانه است.

در ابتدا لازم است اشاره شود علی‌رغم اینکه منتقدان وظیفه یا مسئولیتی برای ارائه طریق نداشتند، حتی در مواردی که راه‌حل‌های به‌مراتب کم‌هزینه‌تری پیشنهاد داده‌اند، از طرف مجریان پروژه جاری نادیده گرفته می‌شوند. بپردازیم که چرا منتقدان مکلف به ارائه طریق و راه‌حل مسائل مورد اعتراض خود نیستند؟

نخست لازم به اشاره است که منتقد اجتماعی موظف به دریافت علائم درد و بیان آن بوده و این خود از اقدامات مهم در عرصه کنشگری است، به‌طور مثال در حوزه محیط‌زیست در بسیاری از موارد آسیب‌دیدگان از گروه‌های بدون تربیون موثر و حتی فاقد زبان هستند. محیط طبیعی، ارزش‌های منظر و هستونده‌های غیرانسانی یا طبقات فرودست اجتماعی و حقوق عمومی از این دست آسیب‌دیدگان محسوب می‌شوند و نقش فعال مدنی